

# روایت مردم با روایت مسوولان تفاوت دارد

واکنش عضو مجمع نمایندگان استان اردبیل در گفتوگو با «اعتماد» در خصوص برخورد مسوولان اجرایی و انتظامی با دانشآموزان:

## کارشناسان صدا و سیما به حسین شریعتمداری و فواد ایزدی محدود شده‌اند

مهدی بیگ‌اوغلی

روز گذشته و همزمان با اخبار ضد و نقیضی که درباره برخورد آموزش و پرورش اردبیل با دانشآموزان منتقد یکی از مدارس این شهر منتشر می‌شد، سیدغنی نظری، عضو مجمع نمایندگان استان اردبیل در جریان گفتوگو با «اعتماد» نه این اخبار را تایید کرد و نه حاضر شد این اخبار را تکذیب کند. اخباری که نشان می‌دهد مسوولان اداره آموزش و پرورش استان اردبیل در مواجهه با برخی انتقادات دانشآموزان یکی از مدارس، اقداماتی را صورت داده‌اند که باعث اعتراض بیشتر خانواده‌های آنان و بروز مشکلات جدی برای برخی دانشآموزان شده است. این نماینده در عین حال با انتقاد از رفتارهای سلبی مسوولان آموزش و پرورش با دانشآموزان، این روند را باعث گریزان شدن نسل آینده کشور از گفتمانی می‌داند که برای ترویج و به بار نشستن آن خون‌های فراوانی ریخته شده و تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است. نظری در ادامه این گفتوگو با انتقاد از نیروی انتظامی به دلیل شکایت از نمایندگان به خاطر اظهارات انتقادی‌شان، این روند را باعث بروز مشکلات جدی در آینده می‌داند. نظری در پاسخ به این پرسش که به نظر شما برای حل این بحران چه رویکردی باید در پیش گرفته می‌شد، گفته:

«از همان آغاز افراد مقصر در این حادثه باید شناسایی و به مردم معرفی می‌شدند. خاطیان به مجازات می‌رسیدند و از مردم عذرخواهی می‌شد. در حالی که حتی يك مقام مسوول هم حاضر به عذرخواهی نشد.»

**امروز خبرهای ضد و نقیضی از اردبیل در خصوص برخورد با دانش‌آموزان به گوش می‌رسد، خبرهایی که التهاب زیادی در افکار عمومی ایرانیان ایجاد کرده. شما به عنوان نماینده‌ای که در یکی از حوزه‌های انتخابیه استان اردبیل فعالیت دارید، این خبرها را تایید می‌کنید؟**

راستش این اخبار مربوط به حوزه انتخابیه من نیست و دوستان نماینده دیگر در حوزه انتخابیه شهر اردبیل ممکن است از من به خاطر اظهارنظر در این خصوص ناراحت شوند.

**به هر حال شما عضو مجمع نمایندگان استان اردبیل هستید؟**

من با مسوولان آموزش و پرورش اردبیل و مسوولان انتظامی این استان صحبت کردم؛ صحبت‌های ضد و نقیضی مطرح می‌کنند به گونه‌ای که حتی من نماینده نمی‌توانم به صراحت اصل موضوع را تایید یا تکذیب کنم. مردم چیزی می‌گویند، مسوولان چیز دیگری را مطرح می‌کنند. از سوی دیگر دوستان نماینده دیگر ممکن است از دست من ناراحت شوند، بهتر است با دیگر نمایندگان صحبت کنید.

**نمایندگان اردبیل به تماس‌های ما پاسخ نمی‌دهند؛ متأسفانه ساعت‌هاست که تلاش می‌کنیم تماس برقرار کنیم که بی‌نتیجه بوده است. اما فارغ از موضوع اخیر در یکی از مدارس شاهد اردبیل، نظر شما درباره اصل صحبت‌های استانداری اردبیل و مسوولان آموزش و پرورش درباره برخوردهای سلبی با دانش‌آموزان این شهر چیست؟**

دانش‌آموزان آینده‌سازان کشور هستند و هرگونه رفتار تند و سلبی با آنها اشتباه مسلم است. حتی اگر خطایی نیز از سوی دانش‌آموزی سر بزند و انتقادات تندي مطرح کند، مدیران این حوزه حق ندارند با رفتارهای سلبی با آنها برخورد کنند. البته همان طور که گفتم روایت مدیران آموزش و پرورش با روایت مردم متفاوت است.

**مسوولان آموزش و پرورش استان اردبیل به شما چه گفتند؟**

من با مدیرکل آموزش و پرورش استان صحبت کردم؛ می‌گوید یکی از دانش‌آموزان این مدرسه دچار مشکل جسمی شده، بعد مدرسه برای کمک با اورژانس تماس گرفته تا این دانش‌آموز را به بیمارستان منتقل کند. در این میان برخی افراد از لحظه حضور اورژانس در مدرسه فیلمی گرفته و در شبکه‌های اجتماعی اعلام می‌شود که به دلیل رفتارهای خشن ماموران با دانش‌آموزان، این فرد به بیمارستان منتقل شده است و... البته من چون خودم در این صحنه حضور نداشتم، نمی‌توانم این روایت

را تایید کنم یا نظر کارشناسی در رد یا قبول آن بدهم. به هر حال وزیر آموزش و پرورش مدتی قبل اعلام کرده که دانش‌آموزان منتقد به مراکز اصلاح و تربیت اعزام می‌شوند. استاندار اردبیل هم تلویحا برخورد با دانش‌آموزان به خاطر برخی شعارها را تایید کرده‌اند.

این بچه‌ها دست‌پرورده همین سیستم آموزشی هستند؛ اگر نقدي بر رفتار آنها باشد، نشانه شكست يك ساختار آموزشي است. مواجهه با دانش‌آموزان و اساسا جوانان باید آرام، علمي و کارشناسي شده باشد. باید از کسانی که رفتارهاي تند را با دانش‌آموزان ترویج می‌کنند، پرسید آیا در خانه خود با فرزندشان هم همین طور رفتار می‌کنند؟ وزیر آموزش و پرورش مدبرانه صحبت نکرده و اعزام دانش‌آموزان به مراکز اصلاح و تربیت اشتباه محض است. اگر قرار باشد کسی به مراکز اصلاح و تربیت برود، این مسوولان بی‌تدبیر ما هستند. ما نباید جوانان‌مان را با دست خودمان از سیستم بیزار کنیم.

با این وضعیت آیا مجلس نمی‌خواهد به این بی‌تدبیری‌ها ورود کند؟ طی روزهای اخیر شکایتي از سوی مسوولان نیروي انتظامي علیه 4 نفر از نمایندگان به دلیل اظهارنظرهایی که بابت گشت ارشاد داشتند، صورت گرفته است. بر اساس اصل 86 قانون اساسي، نمایندگان در اظهارنظرهایشان آزادي کامل دارند و نمی‌توان نماینده‌اي را به دلیل صحبت‌هایش مورد پیگرد قرار داد. اما شرایط در کشور به گونه‌اي شده که حتي اجازه اظهارنظر به نمایندگان نیز داده نمی‌شود. در این شرایط نماینده‌اي که باید حرف مردم را بزند، چگونه می‌تواند به وظایف خود عمل کند؟ برخی افراد و جریان‌ات به دنبال ذبح آزادي‌های مجلس هستند. من این موضوع را در قالب تذکر حتما در صحن مطرح خواهم کرد. وقتی نماینده نمی‌تواند آزادانه مطالبات مردم را دنبال کند، چگونه می‌توان ادعا کرد که مردم در بیان اعتراضات خود با محدودیتي مواجه نیستند؟ کار از مردم عادي گذشته است و برخی افراد و جریان‌ات به دنبال ایجاد محدودیتهای خشن در مدارس هستند. این رویکردهای خشن و تند نه منشا قانوني دارند و نه از ریشه‌های شرعي برخوردارند. اخیرا در شهرستان حوزه انتخابیه من قرار بود کنسرتي برگزار شود؛ به اندازه‌اي براي اخذ مجوز این افراد سختگیری شده بود که به شوخي می‌گفتند فقط مجوز اداره آب و فاضلاب را نخواستہ بودند! این افراد با من تماس گرفتند و پس از کمک من، بدون هیچ مشکلي این کنسرت برگزار شد. هزاران نفر از مردم منطقه لحظات شادي را در کنار هم گذراندند، بدون اینکه مشکلي پیش بیاید. این روند سلبی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، هنري، اجتماعي، ارتباطي و... وجود دارد و منشا خسارتهای فراوانی است.

محل بیان این مطالبات و این مشکلات کجاست؟ چگونه می‌توان سیاستگذاران را متوجه این اشتباهات کرد؟ خیابان که نمی‌شود، انتخابات هم ردملاحیتها وجود دارد، رسانه‌ها هم که محدود شده‌اند و... محل طرح این مطالبات کجاست؟

متأسفانه صدا و سیما به‌رغم صرف هزاران میلیارد بودجه، عملکرد ضعیفی داشته است. شما نگاه کنید، کارشناسان حاضر در برنامه‌های صدا و سیما، محدود شده‌اند به حسین شریعتمداری، فواد ایزدی، هاشمی گلپایگانی و یکی دو چهره دیگر. این در حالی است که هزاران کارشناس برجسته در حوزه‌های جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، دیپلماسی، روانشناسی، علوم تربیتی و... در کشورمان وجود دارند اما باز هم کارشناسان مدعو در صدا و سیما حسین شریعتمداری و فواد ایزدی هستند. من به شخصیت این افراد کاری ندارم؛ ولی مگر می‌شود فردی مثل فواد ایزدی هم در زمینه سیاست خارجی اظهارنظر کند، هم برای تحلیل حوادث اجتماعی دعوت شود، هم درباره لبنان حرف بزند و هم درباره روانشناسی و...؟ از سوی دیگر نیروی انتظامی هم از نمایندگان منتقد شکایت می‌کند تا دهان مجلس و نماینده بسته شود. من فردا هم به وزارت کشور، هم به نیروی انتظامی و هم به سایر مسوولان تذکر می‌دهم که این رفتارها را پایان بدهند. این روند باید پایان داده شود باید اجازه داده شود صداهای مختلف در کشور طرح شوند.

در حوادث اعتراضی اخیر به نظر شما چطور می‌شد تدبیر کرد و موضوع را جمع کرد؟

از همان آغاز افراد مقصر در این حادثه باید شناسایی و به مردم معرفی می‌شدند. خاطیان به مجازات می‌رسیدند و از مردم عذرخواهی می‌شد. در حالی که حتی يك مقام مسوول هم حاضر به عذرخواهی نشد. آقای ضرغامی حرف خوبی زد و گفت: «مردم اگر نخوان امر به معروف بشن، چه کسی را باید ببینند؟» این حرف شاید حرف بسیاری از ایرانیان باشد. من به معاون فرمانده نیروی انتظامی گفتم، اگر به چند حادثه ابتدایی مرتبط با گشت ارشاد مانند حادثه‌ای که در آن مادری فریاد می‌زد، دختر مریضش را به گشت ارشاد نبرند، توجه می‌شد مشکلات بعدی در کشور شکل نمی‌گرفتند.

به عنوان يك نماینده، مقوله گشت ارشاد در کشور را قانونی می‌دانید؟

در کجای قانون گشت ارشاد آمده است؟ شما هیچ بند قانونی با عنوان گشت ارشاد ندارید. ماده 638 قانون مجازات اسلامی می‌گوید که بدحجابی جرم است و مرتکبین آن باید جریمه شوند. مصادیق تعیین آن هم به عهده قوه قضاییه است، نه پلیس. هیچ جای قانون عنوان نشده که پلیس می‌تواند به زور و با رفتارهای تند مردم را سوار و ن کند و

بعد آنها را به کلاس‌های آموزشی ببرد. انجام هر کلاس آموزشی نیازمند قانون شفاف است. اما به دلیل اینکه بحث حجاب در کشور سیاسی شده، برخورد سیاسی و جناحی با آن صورت می‌گیرد.

**فکر می‌کنید، چرا روند گشت ارشاد به این نقطه خسارت‌بار رسید؟**

بیشتر فشارها روی پلیس تلنبار شد تا سوءمدیریت‌های سایر نهادهای فرهنگی پوشیده شود. بیشتر از 25 نهاد فرهنگی هر سال در بودجه کشور سهم دارند، اما هیچ کدام وظایف خود را در فرهنگسازی انجام نمی‌دهند. صدا و سیما هزاران میلیارد بودجه و بیش از 200 هزار نیروی مستقیم و غیرمستقیم دارد، اما خروجی آن نه تنها کمکی به فرهنگسازی نمی‌کند، بلکه خود به عاملی برای تشدید نارضایتی بدل شده است. مرجعیت رسانه‌ای از داخل به رسانه‌های خارج منتقل شده و در این شرایط طبیعی است که نتوان گفتمان مورد نظر را ترویج کرد. اشاره کردم که در صدا و سیما غیر از شریعتمداری و فواد ایزدی و... کارشناس دیگری وجود ندارد. اخیراً آقای توانگر نامه‌ای به رییس ستاد امر به معروف نوشته بود که دبیر این ستاد خود عاملی برای ترویج خشونت در کشور بدل شده است. شبکه‌های خبری دشمن از همین صدا و سیما و اشتباهات داخلی است که خوراک خود را به دست می‌آورند. این روند باید تغییر داده شود؛ هزاران کارشناس سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... در کشور وجود دارند و صدا و سیما ما نباید اینقدر دست خالی باشد.

---

کارشناسان حاضر در برنامه های صدا و سیما، محدود شده اند به حسین شریعتمداری، فواد ایزدی، هاشمی گلپایگانی و یکی دو چهره دیگر. مگر می شود، فردی مثل فواد ایزدی هم در زمینه سیاست خارجی اظهارنظر کند، هم برای تحلیل حوادث اجتماعی دعوت شود، هم درباره لبنان حرف بزند و هم درباره روانشناسی و...؟

طی روزهای اخیر شکایتی از سوی مسوولان نیروی انتظامی علیه 4 نفر از نمایندگان به دلیل اظهارنظرهایی که بابت گشت ارشاد داشتند، صورت گرفته است. می‌خواهند دهان نمایندگان را ببندند.

از همان آغاز افراد مقصر در این حادثه باید شناسایی و به مردم معرفی می شدند. خاطیان به مجازات می رسیدند و از مردم عذرخواهی می‌شد، در حالی که حتی يك مقام مسوول هم حاضر به عذرخواهی نشد.

شما هیچ بند قانونی با عنوان گشت ارشاد ندارید. ماده 638 قانون مجازات اسلامی می‌گوید که بد حجابی جرم است و مرتکبین آن باید جریمه شوند. مصادیق تعیین آن هم به عهده قوه قضاییه است، نه

پلیس.

منبع: □□□□□□ 1401 □□□ 24 □□□□□□ □□□□□□